

اوپک و مدیریت بهای نفت

مهرزاد زمانی

نظام‌های قیمت‌گذاری نفت

تعیین شده بود.

بعد از جنگ جهانی دوم، انگلیسی‌ها که نفت خام خود را از ایران تأمین می‌کردند متوجه شدند که بر مبنای قیمت‌گذاری نفت در منطقه خلیج مکزیک، هزینه حمل و نقل اضافی را می‌پردازند در حالیکه بعد از جنگ جهانی دوم در حال بازسازی بودند و نیاز به منابع ارزان داشتند. این امر باعث اعتراض آنها به سیستم تعیین قیمت شده و خلیج فارس را بعنوان مبدأ تعیین قیمت بکار بردند و به دنبال آن فرانسوی‌ها واردات از عربستان را نیز با پیروی از قراردادهای انگلیسی‌ها بنا نهادند. هزینه نسبی تولید پایین نفت منطقه خلیج فارس و حجم صادرات آن باعث شد که قیمت‌گذاری بر مبنای این منطقه قوت گرفته و تثبیت شود.

در دهه ۵۰ میلادی هفت خواهران نفتی فعالیت بالادستی نفتی خود را در بیرون از آمریکا به خصوص در منطقه خاورمیانه به منظور تأمین تقاضای روزافزون گسترش دادند. در این دهه و دهه ۶۰ میلادی شرکت‌های نفتی تعیین کننده قیمت‌های اعلان شده و معاملاتی بودند. قیمت‌های اعلان شده مخصوص مبنای محاسبه مالیات بر درآمد و امتیازات نفتی کشورهای میزبان بود و قیمت‌های معاملاتی برای انتقالات و معاملات بین شرکتی و مابین شرکت‌ها تعیین می‌شد. از خصوصیات این نظام این بود که قیمت توسط آنها تعیین می‌شد و از پیچیدگی

نظام‌های قیمت‌گذاری نفت در طی قرن گذشته دچار تحولات بسیاری بوده است. علت اصلی این تحولات را نمی‌توان صرفاً حرکت در بهبود آن از لحاظ تئوری‌های اقتصادی دانست بلکه در اصل وابسته به قدرت‌های درون بازار نفت بوده است. شرکت‌های بین‌المللی نفتی و تولیدکنندگان نفت اوپک دو قدرت عمده و تأثیرگذار بر بازار نفت بوده و می‌باشند که همواره در پی افزایش سود خود و تسلط بیشتر بر بازار نفت بوده‌اند. تعامل این دو قدرت با یکدیگر باعث شده است که تعیین قیمت در شرایط زمانی متفاوت از تسلط یکی خارج و به سمت دیگری تمایل پیدا کند.

در قرن نوزدهم و تا اواخر نیمه قرن بیستم میلادی خلیج مکزیک مرکز قیمت‌گذاری نفت خام جهان بود و دولت آمریکا بعنوان تنها کنترل کننده قیمت نفت شناخته می‌شد. این امر به دو دلیل شکل گرفته بود: اولاً آمریکا اولین کشور تولیدکننده نفت در جهان بود، در ثانی زمانی که تولید نفت در خاورمیانه بر مبنای امتیازات نفتی بود هزینه تولید در این منطقه نسبت به آمریکا در سطح پایین تری قرار داشت که همچنان نیز صادق است بنابراین با توجه به قدرت شرکت‌های نفتی آمریکایی بر بازار نفت به منظور تولید رقابتی، خلیج مکزیک مبدأ قیمت‌گذاری

متفاوتی می‌باشند و پالایشگاه‌ها ترکیبی از آنها را مورد استفاده قرار می‌دهند و هزینه‌های تولید نیز به روشنی معلوم نبوده و در نتیجه محاسبه قیمت نفت خام بر مبنای قیمت فرآورده‌ها بسیار دشوار بود. از طرف دیگر قیمت‌های نفت به شدت کاهش یافته بودند و برآیند این عوامل باعث شد این سیستم به سرعت متروک شود.

در سال ۱۹۸۶ شرکت پمکس^۴ سیستم قیمت‌گذاری را بنا نهاد که از آن تاریخ به امروز همچنان ملاک قیمت‌گذاری نفت خام‌های جهان می‌باشد. در این سیستم قیمت فروش نفت در بازار بین‌المللی بر مبنای یک یا چند نوع نفت شاخص و مرجع فرمول‌بندی می‌شود. فرمول هر نفت خام بر مبنای عامل تعدیل‌کننده‌ای است که کیفیت و هزینه حمل‌ونقل و سپس عوامل دیگر همچون رقابت با دیگر نفت‌ها را در برمی‌گیرد. نفت خام‌های شاخص شامل نفت خام متوسط غرب تگزاس^۵ در بازار بورس نیویورک و برنت در بازار بورس لندن و دویی - عمان برای معاملات آسیا و پاسیفیک که تحت تأثیر قیمت برنت است می‌باشند.

بعد از شوک دوم نفتی کشورهای عمده مصرف‌کننده نفت به فکر ابداع روشی برای پوشش ریسک افزایش قیمت‌های نفت افتادند که در پی آن بورس مبادلات نفتی در سال ۱۹۸۲ پدیدار شدند که در آن قراردادهای آتی‌ها

○ در دهه ۱۹۷۰ گرچه سیاست کاهش عرضه نفت برای رویارویی با اسرائیل و انقلاب ایران سبب افزایش بهای نفت شد، اما با گسترش تولید در دیگر مناطق جهان و افزایش عرضه در دهه ۱۹۸۰، قیمت‌ها روند نزولی گرفت و سهم اوپک در بازار و قدرت کنترل آن بر قیمت‌ها روبه کاهش نهاد. در نتیجه، اوپک ناگزیر شد سیاست کنترل تولید از راه سهمیه‌بندی تولید اعضا را جانشین سیاست کنترل قیمت کند؛ سیاستی که تا امروز دنبال شده است.

خاص خود برخوردار بود به طوری که شرکت‌ها بین خود تعاملات دو طرفه داشته و اطلاعات رد و بدل شده بین آنها به بازار منتقل نمی‌شد در نتیجه شفافیت بر بازار حاکم نبود و قیمت واحدی برای نقل و انتقالات بین‌المللی وجود نداشت. این دوره تا ۱۹۶۰ دوام داشت و شرکت‌های بزرگ نفتی بیشترین حجم تولید را در کنترل داشتند. در طی این سال‌ها قیمت از ثبات نسبی بالایی برخوردار بوده است.

در محدوده سال ۷۰ میلادی اتفاقات سیاسی در کشورهای تولیدکننده مهم نفت رخ داد که شرایط بازار نفت را به شدت تحت تأثیر قرار داد. این عوامل باعث شد که دولت این کشورها قدرت چانه‌زنی در قراردادهای بدست آورند و قراردادهای را به نفع خود متمایل نمایند. جنگ اعراب و اسرائیل و در اواخر این دهه وقوع انقلاب ایران دو واقعه مهم بود که این تحولات باعث شد قیمت‌های اعلان شده به شدت افزایش یابند. اعضا اوپک تصمیم گرفتند که تعیین قیمت نفت را در کنترل گیرند. در این راستا در سال ۱۹۷۳ نفت خام سبک عربستان بعنوان شاخص انتخاب شد و نفت خام‌های کشورهای دیگر با توجه به کیفیت آنها نسبت به این شاخص تعیین می‌گردیدند. در این روش قیمت‌ها بعنوان قیمت فروش رسمی یا قیمت دولتی^۲ معروف شدند.

در این دو دهه قدرت تعیین قیمت نفت از شرکت‌های نفتی به اوپک منتقل شد. کشورهای عضو اوپک در این دوره کنترل تولید را در دست گرفتند و درآمدهای نفتی دیگر از مالیات بردرآمد بدست نمی‌آمد و مستقیماً از فروش نفت حاصل می‌شد. سیستم کنترلی اوپک تا سال ۱۹۸۵ ادامه یافت. در این دوره قیمت‌های نفت خام به شدت افزایش یافت. در دهه ۸۰ عرضه غیر اوپک در پی قیمت‌های بالای نفتی که تولید در این مناطق را اقتصادی نموده بود به شدت رشد یافت و در پی آن سهم اوپک از بازار به شدت کاهش یافت و از طرف دیگر کاهش تقاضای نفت در اثر رکود اقتصادی کشورهای صنعتی این امر را تشدید نمود در نهایت تسلط اوپک بر بازار نفت کاهش یافت. در سال ۱۹۸۶ عربستان که با کاهش سهم خود در بازار روبرو شده بود سیستم نتبک^۳ را که طبق آن قیمت نفت خام بر مبنای ارزش فرآورده‌های حاصله تعیین می‌شد ابداع نمود. این سیستم معایب عمده‌ای در برداشت. نفت خام‌ها دارای کیفیت

که حجم ذخیره‌سازی منوط به تصمیم‌گیری صاحبان با توجه به اهداف امنیتی انرژی و نه اهداف اقتصادی می‌باشد. شاخصی که تأثیر ذخیره‌سازی‌ها را بر قیمت نفت نمایان می‌سازد تعداد روزهایی است که سطح ذخیره‌سازی‌ها، تقاضای نفت کشورهای مصرف‌کننده را پوشش می‌دهد^۷ که می‌توان تحت عنوان تعداد روزهای پوشش از آن نام برد. با توجه به اینکه نگهداری حجم بالای نفت هزینه‌ای را بر شرکت تجاری وارد می‌نماید بنابراین نگهداری این حجم از فرمول‌های اقتصادی تبعیت می‌نماید و باعث شده است که میزان این ذخیره‌سازی‌ها حداقل افزایش نیابد. از طرف دیگر نگهداری ذخایر استراتژیک نیز علاوه بر هزینه با مشکلات فنی روبروست ولی روند افزایشی را طی نموده است. در عین حال تقاضا نیز روند صعودی خود را طی نموده و در مجموع حرکت این عوامل به گونه‌ای بوده است که تعداد روزهای پوشش در طی دهه ۹۰ و در سال‌های اخیر رو به کاهش نهد. این امر در نهایت اثر خود را به صورت فشار رو به بالا بر قیمت‌های نفت وارد کرده است.

تولید اوپک که شامل سهمیه‌های تعیینی و تخلف اعضا می‌باشد و همچنین ظرفیت مازاد تولید اوپک از عوامل بنیادی تأثیرگذار بر شاخص‌ها می‌باشند. قراردادهای مورد معامله در بورس نفت مانند قراردادهای آتی‌ها و اختیارات^۸ از جمله ابزار مالی^۹ برای پوشش ریسک و سفته‌بازی می‌باشند که در مورد شاخص‌ها صورت می‌پذیرد. بنابراین از آنجا که ابزارهای مالی در بازارهای متفاوت با یکدیگر در ارتباط می‌باشند بازار بورس نفت در ارتباط با بازارهای دیگر قرار می‌گیرد و تحولات بازار کالاهای دیگر تا حدودی بر بازار نفت وارد می‌آید.

اوپک

تولید نفت چهار کشور مؤسس اوپک در سال ۱۹۶۰ در سیطره هفت خواهران نفتی بود به نحوی که قیمت‌های اعلان شده توسط آنها که ملاک مالیات بر درآمد کشورهای میزبان بود روند نزولی به خود گرفته بود. اعضا مؤسس تصمیم گرفتند در جهت مقابله با این شرکت‌ها با یکدیگر به همکاری بپردازند و بدین منظور در جهت هماهنگی، ثبات قیمت‌های نفت، تحصیل درآمد مستمر و تأمین عرضه مداوم نفت، سازمان اوپک را تأسیس نهادند.

○ از اوایل سال ۲۰۰۰ میلادی اوپک مکانیزم تازه‌ای برای کنترل بازار برگزید و قیمت مرجع را به صورت محدوده قیمت تعریف کرد. اوپک تصمیم گرفت چنانچه قیمت سبد اوپک برای ده روز کاری پیاپی از ۲۲ دلار پایین‌تر آید سازمان به گونه خود کار ۵۰۰ هزار بشکه در روز از تولید خود بکاهد و اگر قیمت سبد اوپک برای بیست روز پیاپی از بشکه‌ای ۲۸ دلار فراتر رود، تولید ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش یابد تا قیمت سبد اوپک در محدوده ۲۲ تا ۲۸ دلار برای هر بشکه قرار گیرد.

برای نفت خام‌های شاخص WTI و برنت و همچنین فرآورده‌های نفتی مبادله می‌شوند. در این بازارها عرضه و تقاضا تعیین‌کننده قیمت‌ها می‌باشند. با توجه به اینکه بورس‌های نفتی نقش اصلی در تعیین قیمت نفت را بازی می‌نمایند عوامل تأثیرگذار را می‌توان بدین شرح بیان نمود: عوامل بنیادی و روانی. عوامل بنیادی شامل یکسری عوامل داخلی کشورهای مهم از جمله آمریکا است که نفت خام‌های شاخص در آنها تعیین می‌شود و سری دیگر عوامل بین‌المللی است. میزان ذخیره‌سازی‌های تجاری و استراتژیک در آمریکا و کشورهای OECD از عوامل مهم بنیادی تأثیرگذار بر قیمت نفت شاخص‌هاست. نقش ذخیره‌سازی‌ها نیز اطمینان از تداوم جریان حرکت انرژی در کشورهای صنعتی است. هرگونه افزایش در تقاضا به سرعت توسط این منبع تأمین می‌شود. برتری این منبع بر ظرفیت مازاد اوپک در سرعت دسترسی است که این امر خصوصیت ویژه‌ای را ایجاد نموده است. می‌توان گفت که در حدود دو سوم ذخیره‌سازی‌ها تجاری می‌باشند یعنی بر مبنای سود و زیان عمل و اطمینان از ادامه روند تولید می‌نمایند و مابقی از ماهیت استراتژیک برخوردار می‌باشد بدین معنی

تولید در شرایط بحرانی بوجود آید در نتیجه این اطمینان باعث فشار رو به پایین بر قیمت‌های نفت گردیده است. افزایش در میزان این ظرفیت، فشار در جهت کاهش قیمت را افزون می‌نماید و به همین ترتیب عکس آن نیز صادق است. گرچه اعضا بدلیل کسب درآمد و سهم بیشتر همواره از میزان سهمیه‌های تعیینی تخلف داشته‌اند که این امر باعث شده است نظریه کارتل بودن اوپک که در اواخر دهه ۸۰ مطرح شد زیر سؤال رود ولی در طی دهه ۹۰، اوپک نشان داد که توانایی لازم را برای کنترل قیمت با سیستم سهمیه‌بندی دارد. در طی سال‌های گذشته اوپک حداقل ۳ میلیون بشکه ظرفیت مازاد تولید داشته است. در شرایط حساس کنونی این مقدار گاهی به کمتر از ۱ میلیون کاهش یافته است. نکته این است که هر لحظه امکان قطع تولید عراق به میزان بیش از ۱ میلیون وجود دارد بنابراین در حالت خوشبینانه حداقل ۱ میلیون بشکه ظرفیت تولید برای دیگر اعضا می‌بایست وجود داشته باشد تا اینکه ریسک قطع صادرات عراق را جبران کند. بنابراین در شرایط کنونی تولید عراق که در حدود ۱ تا ۲ میلیون بشکه روز در نوسان است می‌بایست از ظرفیت مازاد اوپک کاسته شود و سپس مابقی به عنوان ظرفیت مازاد اوپک در نظر گرفته شود تا بتوان آنرا با حالت شرایط قبل مقایسه نمود. از طرف دیگر در حال حاضر برخی از اعضا اوپک حتی توانایی تولید در حد سهمیه تعیینی را نیز ندارند این در حالی است که در دهه ۹۰ این اعضا برای افزایش درآمد و کسب سهم بیشتر در بازار همواره بیش از سهمیه تولید

○ ظرفیت مازاد تولید، مهم‌ترین ابزار کنترل قیمت در دست اوپک است. در دهه ۱۹۹۰ میلادی اوپک روزانه از یک تا شش میلیون بشکه در روز و در چند سال گذشته دست کم سه میلیون بشکه در روز مازاد تولید داشته است. در شرایط حساس کنونی، این مقدار گاهی به کمتر از یک میلیون بشکه در روز می‌رسد.

سازمان در جهت اهداف مذکور با توجه به قدرت خود در طی سال‌های گذشته سیاست‌های متفاوتی را در پیش گرفته است. در دهه ۷۰ میلادی اعضا اوپک، تولید نفت کشورهای خود را تحت کنترل گرفتند که این امر زمینه‌ساز مدیریت قیمت گردید. سیاست کاهش عرضه نفت برای مقابله با اسرائیل و انقلاب ایران گرچه در دهه ۷۰ قیمت‌ها را افزایش داد اما با گسترش تولید در مناطق دیگر جهان و افزایش عرضه در دهه ۸۰، قیمت‌ها روند نزولی گرفته و همچنین سهم اوپک رو به کاهش نهاد. در این دهه قدرت کنترلی اوپک بر قیمت نیز رو به کاهش نهاد. سازمان مجبور گردید که سیاست کنترل تولید از طریق اعمال سهمیه بر تولید اعضا را جایگزین سیاست کنترل قیمت نماید که تا به امروز ادامه یافته است.

در سال ۱۹۸۷ اوپک به منظور هدف‌گذاری قیمت، سبد مرجع نفت خام اوپک را با قیمت هدف ۱۸ دلار در بشکه تعریف کرد. به این ترتیب کشورهای عضو اوپک می‌بایست در مجموع، تولید خود را به گونه‌ای تنظیم کنند که قیمت سبد اوپک در سطح ۱۸ دلار در بشکه قرار داشته باشد. در ژوئیه ۱۹۹۰ قیمت مرجع سبد اوپک به ۲۱ دلار در بشکه (باتوجه به شرایط بازار نفت) افزایش داده شد. از اوایل سال ۲۰۰۰ اوپک تصمیم گرفت مکانیزم جدیدی برای کنترل بازار ابداع کند. در مکانیزم جدید، قیمت مرجع به صورت محدوده قیمت تعریف شد؛ یعنی اوپک تصمیم گرفت که چنانچه قیمت سبد اوپک به مدت ۱۰ روز متوالی کاری از ۲۲ دلار در بشکه پایین‌تر آمد اوپک تولید خود را به شکل خودکار ۵۰۰ هزار بشکه در روز کاهش دهد و اگر قیمت سبد اوپک به مدت ۲۰ روز متوالی کاری از ۲۸ دلار در بشکه فراتر رفت اوپک تولید خود را به صورت خودکار ۵۰۰ هزار بشکه در روز افزایش دهد تا قیمت سبد اوپک در محدوده ۲۲ الی ۲۸ دلار در بشکه قرار بگیرد.

ظرفیت مازاد تولید اوپک اصلی‌ترین ابزار کنترل قیمتی در دست اوپک است. ظرفیت مازاد اوپک از اوایل دهه ۸۰ میلادی با افزایش عرضه غیر اوپک و کاهش تولید اوپک به خصوص عربستان و ظهور سیستم سهمیه‌بندی ظاهر گردید. در طی دهه ۹۰ میلادی می‌توان مشاهده نمود که اوپک بین یک تا بیش از ۶ میلیون بشکه ظرفیت مازاد تولید در روز داشته است. این امر باعث شده است که همواره اطمینان خاطری در مورد امکان سریع افزایش

خورده است.

قیمت نفت‌های وست‌تگزاس اینترمیڈیت، برنت و دبی شاخص‌های مهم بازار نفت می‌باشند که دیگر انواع نفت بر مبنای آنها قیمت‌گذاری می‌شوند. نکته جالب توجه در مورد این شاخص‌ها در شرایط حاضر پیدایش اختلاف قابل توجه در روند آنهاست بدین صورت که تفاوت بین شاخص دبی و دو شاخص دیگر به شدت افزایش یافته که از لحاظ تاریخی بی‌سابقه است و نکته قابل توجه دیگر اینکه این اختلاف از لحاظ زمانی نیز برای مدت طولانی باقی مانده بدین معنی که سیستم حمل‌ونقل نتوانسته کمکی در کاهش اختلاف نماید. به عبارت دیگر تقاضا برای نفت‌های سبک بیشتر از نوع سنگین افزایش یافته است بنابراین از دید عرضه نفت سنگین قادر نیست افزایش تقاضای نفت سبک را تخفیف دهد. از آنجا که نفت تولیدی منطقه خلیج فارس به‌عنوان دارنده بیشترین حجم تولیدی اوپک از نوع سنگین است در شرایط کنونی قادر به کاهش مؤثر و مورد انتظار قیمت‌های شاخص‌های نفت سبک نیست.

دامنه قیمتی نفت اوپک که از سال ۲۰۰۰ پدیدار شد اهداف تأمین در آمد اعضا با در نظر گرفتن سهم بازار و تثبیت بازار را دنبال می‌نماید. همانطور که گفته شد اوپک در طی سال‌های گذشته از ظرفیت مازاد قابل توجهی برخوردار بود. این خصیصه اوپک را قادر به کنترل محدوده قیمتی ۲۲ تا ۲۸ دلار می‌نمود که در غیر این صورت در شرایط افزایش قیمت اوپک قادر به افزایش تولید نبود و عملاً توانایی کنترل قیمت را نداشت. موضوعی که اوپک با آن روبروست این است که آیا در شرایط کنونی که قیمت‌ها در مدت نسبتاً طولانی از سطح بالایی برخوردار بوده است اوپک می‌تواند از فرصت بدست آمده استفاده نموده و سیاست دامنه قیمتی را ادامه داده و یا حتی دامنه را افزایش دهد در حالیکه دلایل لازم به منظور افزایش قیمت را نیز در اختیار دارد. غیر از بالا بودن قیمت نفت در مدت نسبتاً طولانی دلیل دیگری که افزایش دامنه را توجیه و یا منطقی می‌نماید کاهش نرخ برابری دلار در مقابل ارزهای قدرتمند دیگر نسبت به سال ۲۰۰۰ و کاهش قدرت واقعی خرید درآمدهای نفتی اعضا می‌باشد.

نفت خام‌های شاخص

نفت خام‌های شاخص که مرجع قیمت‌گذاری تمامی

می‌نموده‌اند. آمار منتشره در گزارش سپتامبر ۲۰۰۵ توسط اوپک نشان می‌دهد که کشورهای اندونزی و ونزوئلا قادر به تولید در حد سهمیه نمی‌باشند و به ترتیب ۵۲۶ و ۶۱۶ هزار بشکه کمتر تولید می‌نمایند که در مجموع رقم قابل توجهی است و در عین حال این میزان توسط اعضا دیگر به‌خصوص عربستان پوشش داده شده است. این وضعیت در مورد صادرات علائم بحرانی تری را نشان می‌دهد. رشد مصرف نفت در اندونزی به حدی افزایش یافته است که تولید این کشور فقط می‌تواند تکافوی مصرف داخلی را بنماید و به زودی با تداوم عدم سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی نفت این کشور نه تنها امکان صادرات نخواهد داشت بلکه به واردکننده نفت تبدیل خواهد شد. همچنین این وضعیت برای کشورهای دیگر عضو این سازمان نیز با تخفیف صادق است.

یکی از موضوعات دیگری که اوپک با آن مواجه است روند تقاضا برای نفت خام‌های سبک و سنگین است. از لحاظ تقاضا برای نفت سبک و سنگین در بازار نفت تغییراتی حاصل شده است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن بود که به تدریج اتکا بر نفت منطقه خلیج فارس بیشتر می‌شود بنابراین انتظار بر این بود که تقاضا برای نفت سنگین بیشتر شود و پالایشگاه‌های خود را برای این نوع نفت آماده نمایند. در حالیکه وضعیت بازار به گونه‌ای دیگر رقم

○ امروزه برخی از اعضای اوپک حتی توان

تولید به اندازه سهمیه را ندارند، در حالی که در دهه ۱۹۹۰، برای افزایش درآمد و بالابردن سهم خود در بازار، همواره بیش از سهمیه تولید می‌کردند. گزارش اوپک در سپتامبر ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که اندونزی و ونزوئلا توان تولید در حد سهمیه را ندارند و به ترتیب ۵۲۶ و ۶۱۶ هزار بشکه کمتر تولید می‌کنند که این کاهش را دیگر اعضای اوپک بویژه عربستان جبران می‌کنند. نشانه‌های این وضع در زمینه صادرات، بسی بدتر است.

○ افزایش مصرف نفت در اندونزی به اندازه‌ای است که تولید آن کشور تنها می‌تواند مصرف داخلی را پوشش دهد و در سایه نبود سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی، آن کشور به زودی نه تنها امکان صدور نفت نخواهد داشت، بلکه به واردکننده نفت تبدیل خواهد شد. این وضع برای برخی دیگر از کشورهای عضو اوپک نیز کمابیش راست می‌آید.

است.

بررسی عوامل تأثیرگذار بر قیمت‌های نفت خام نشان می‌دهد که گستردگی زیاد در عوامل مؤثر وجود دارد که امروزه بسیاری از آنها نه در کنترل اوپک است و نه در کنترل شرکت‌های نفتی و همچنین نه دولت‌ها. گرچه هر یک از آنها به تنهایی هنوز از ابزارهای لازم و کارا برای هدایت بازار برخوردار می‌باشند ولی در کل نمی‌توان نوسانات نامناسب قیمت را به تنهایی به یک عامل نسبت داد همانطوری که به محض افزایش قیمت‌ها، کشورهای مصرف‌کننده نفت تمامی مشکلات ایجاد شده را بر عهده عملکرد اوپک گذاشته و از عنوان کارتل نفتی برای مجاب کردن دلایل خود استفاده می‌نمایند.

یادداشت‌ها

1. Posted price
2. Official or Government sale price
3. Net Back
4. PEMEX
5. West Texas Intermediate (WTI)
6. Futures Contract
7. Days of forward demand
8. Option
9. Financial Instrument

۱۰. حداقل ۵۰۰ هزار بشکه در روز.

۱۱. شرکت‌های مختلف در تولید آن سهیم باشند به طوری که اطلاعات از شفافیت برخوردار باشد و معاملات آن زیاد باشد.

12. Contango

نفت‌ها می‌باشند در بازارهای بورس مناطق مصرف‌کننده قرار دارند بنابراین بیشتر تحت تأثیر شرایط اقتصادی و عوامل بنیادی این مناطق قرار دارند. سیستم فرمول‌بندی قیمت‌های نفت خام نیز از انعطاف‌پذیری کمی برخوردار می‌باشند و تحت تأثیر مستقیم نیروهای بازار نبوده و توسط دولت‌ها تعیین می‌شوند. شکل‌گیری نفت خام شاخص در منطقه تولیدکنندگان مهم نفتی مانند خلیج فارس مهیا نمی‌باشد. به منظور انتخاب یک نوع نفت بعنوان شاخص سه خصیصه مهم می‌بایست وجود داشته باشد: کمیّت، کیفیت و شرایط بازار. از لحاظ کمیّت مقدار تولید آن می‌بایست قابل توجه باشد. ۱۰ از لحاظ کیفیت می‌بایست نه بسیار از نوع سبک و نه بسیار سنگین باشد و بتوان آنرا نماینده‌ای از نفت خام‌های تولیدی منطقه دانست و همچنین در بازار نقدی باید به نحوی مورد معامله قرار گیرد که امکان دستکاری قیمت آن به سهولت امکان‌پذیر نباشد. ۱۱ امروز حتی این شرایط برای شاخص‌های نفت WTI و برنت مورد تردید قرار گرفته‌اند.

همانطور که گفته شد نفت خام‌های شاخص تحت تأثیر شرایط مناطق و بازار مورد معامله می‌باشند. پیش‌بینی شرایط آینده بازار در این مناطق همپای مناطق دیگر قیمت آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. احتمال کمبود بنزین در آمریکا در حالیکه هنوز کمتر عرضه آن به طور فیزیکی در بازار محسوس نیست باعث شده است قیمت نفت خام WTI متأثر شده و تحت فشار به سمت بالا قرار گیرد. در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ شرایط به گونه‌ای رقم خورده است که احتمال عرضه آینده نفت خام همراه با ریسک مواجه شده است که مهمترین دلیل آن کاهش ظرفیت تولید مازاد اوپک در کنار ناآرامی در کشورهای مهم تولیدکننده نفت می‌باشد. از طرف دیگر رشد تقاضای جهانی در اثر افزایش رشد اقتصادی جهان به خصوص در کشورهای در حال توسعه بویژه چین شتاب گرفته است. این مسائل در حالی است که عرضه کنونی نفت نه تنها تکافوی تقاضا را می‌کند بلکه مازاد بر نیاز نیز می‌باشد به نحوی که عرضه مازاد در ذخایر استراتژیک کشورهای مصرف‌کننده به خصوص آمریکا روان شده است. این در حالی است که قیمت‌های قراردادهای آتی‌ها در حال پیش‌بینی ۱۲ قرار دارند و ریسک کمبود عرضه در آینده با توجه به افزایش واردات نفت کشورهای مهم مصرف‌کننده نفت، فشار رو به بالا بر قیمت‌های نفت خام آورده